

زن، خانواده و ازدواج در آیین بودا

حسین علی جعفری^۱ و سحر دادفر^۲

چکیده

اخلاقیات، نظام‌های اجتماعی و خانواده، موضوعی نیست که مرتبط با دین بودایی باشد؛ سابقه این نظام‌ها را می‌توان با تاریخ بشریت یکی دانست^۳، در ادیان سامی^۴، سایر ادیان و آیین بودا (که موضوع این مقاله است)، درس‌ها و آموزه‌های گوناگونی که دارای مشترکاتی (هم از نظر اخلاقی و هم از نظر ظواهر)، با سایر ادیان میباشد، وجود دارد. ما در این تحقیق با بهره‌بردن از منابع معتبر علمی که اسامی آن به ترتیب نگارش مقاله در پاورقی و در پایان در فهرست منابع آمده است، به موضوع زن، ازدواج و خانواده می‌پردازیم. در این مقاله موضوعات مذکور، به صورت تفکیک شده و در بیش از هفتاد درصد متن، به صورت گردآوری و ترجمه بیان شده است.

کلید واژه:

راه‌های هشت گانه^۵، خانواده بودایی^۶، ازدواج^۷، طلاق^۸، آیین بودا^۹، مراسم ازدواج^{۱۰}، هینایانا و ماهایانا.

^۱ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، گروه ادیان و عرفان تطبیقی، تهران، ایران

^۲ آموزگار، اداره آموزش و پرورش شهرستان دماوند، دماوند، تهران

^۳ در منابع دینی مختلف و قرآن کریم، خلقت انسان با زن و مرد بوده است.

^۴ یهودیت، مسیحیت و اسلام.

^۵ (۱) اندیشه درست (Right understanding)(Samma ditthi)

(۲) قصد و اراده درست (Right Iuntention)(Samma sankappa)

(۳) سخن درست (Right speech)(Samma vaca)

(۴) رفتار درست (Right Action)(Samma Kammanta)

(۵) معیشت درست (شغل‌های حلال) (Right Livehood)(Samma ajiva)

(۶) کوشش یا مجاهدت درست (Right effort)(Samma Vayama)

(۷) دلنگرانی درست (Right mindfulness)(Samma Sati)

(۸) مراقبه درست (Right Concentration)(Samma Samadhi)

6. Family Buddhist.

7. Marriage.

8. Divorce.

9. Buddhism religious.

10. Wedding Ceremony.

بودا^۱، موسس آیین بودا، سرگذشتش همراه با افسانه‌ها است. تاریخ تولد او را ۵۶۳ ق.م و تاریخ وفاتش را ۴۸۳ ق.م گفته‌اند. پدرش از قبیله ساکیا و مردی ثروتمند و فرمانروای ناحیه‌ای نزدیک نپال در بنارس بود. بودا در رفاه میزیست و ازدواج کرد و صاحب پسری شد، ولی در ۲۹ سالگی بدبختی نوع بشر را دریافت و به دنیا پشت پا زد و زاهد شد. سرانجام در بوده‌گایا، در زیر یک درخت بو یا انجیر معبد، اشراق عظیم (روشنگری)^۲، بر وی تأیید و اصول آیین بودا را به او الهام کرد.^۳ او پس از غلبه بر دارمه^۴، شیطان بودایی، تعلیمات خود را آغاز کرد. دین بودا^۵ یکی از ادیان بزرگ جهان است که مجموعه‌ای از اصول اخلاقی و فلسفی را در بر دارد. این دین در آغاز شبیه آیین برهمنی (هندو) بود و با آن ارتباط نزدیک داشت، ولی ظاهرپردازی آن کمتر بود و به ترک نفس و ترحم بیشتر توجه میکرد. چهار اصل مهم بودا^۶ این است: زندگی رنج است^۷؛ منشاء رنج در آرزوی نفس است؛ چون آرزوی نفس زائل شود، رنج به پایان میرسد؛ راه زائل ساختن آرزوی نفس، سلوک در طریقت است (یعنی راه‌های شریف هشتگانه). راه‌های هشتگانه حقیقت عبارتند از: اعتقاد درست، اراده درست (ترک لذات جسمی، خودداری از آزار جانوران و ...)، گفتار درست، رفتار درست، معیشت درست، کوشش درست، اندیشه درست و مراقبه درست (در متن مرجع: خلسه و حال). غایت مرد دیندار این است که از وجود به نیروانا^۸ یا عدم سعادت آمیز پناه ببرد. فرد انسانی مرکب از عناصری است که قبلاز او بوده است و هنگام مرگش از هم جدا میشوند، ولی باز ممکن است به نحو مشابه به یکدیگر بپیوندند. انسان میتواند، از این سلسله وجود، به وسیله زندگی دینی رهایی یابد. این تعالیم را رهبانان بودایی، به سرعت انتشار دادند و دین بودا در زمان آشوکا^۹ در هندوستان به اوج ترقی رسید، ولی بعد در آنجا (تقریباً) از بین رفت و در سیلان و برمه، به شکل اولیه و ساده تر و پاک تر خود، که هینایانه^{۱۰} (یعنی: زنجیره کوچک) نام دارد، باقی ماند. در قرن اول بعد از میلاد به چین رسید و از آنجا، از راه کره، ژاپن را فرا گرفت. در اینجا تغییر صورت داد و به نام ماهایانه^{۱۱} (یعنی: زنجیره بزرگ) بسیاری از جنبه‌های ادیان محلی و خدایان آنها را اقتباس کرد. در تبت به شکل مذهب لامپرستی در آمد. فرقه‌ها و

۱. به سانسکریت = روشن، آگاه.

2. Enlightenment.

۳. مصاحب، غلامحسین، به همراه جمعی از نویسندگان و مترجمان، دایره المعارف فارسی مصاحب، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۷، ص ۴۵۸ و ۴۵۹.

4. Darmha.

5. Buddhism.

۶. چهار حقیقت شریف = این چهار حقیقت، اغلب به اریه (Ariya)، یا حقیقت‌های عالی اشاره دارد. چون اینها شخص را به حقیقت متعالی میرساند، یعنی چیزی که با تولد همراه نیست، بلکه با تزکیه درونی به دست می‌آید.

7. Dukkha.

۸. Nirvana. (در سانسکریت = نابودی)

9. Asoka.

10. Hinayana.

11. Mahayana.

جنبه‌های متعددی در دین بودایی پدیدار گشت که اهم آنها فرقه بودایی زن است که در ژاپن بسیار رشد کرد.^۱ ازدواج و احکام دینی مربوط به آن، پیش از ظهور هر مذهب یا دینی وجود داشته است؛ بنابراین هیچ دین یا مذهبی نمیتواند ادعا کند که ازدواج و احکام مربوط به آن، از آن آن مکتب یا دین یا مذهب است. در دین بودا، در ازدواج و احکام مربوط به آن دخالتی نشده است.^۲ ما در این مقاله با بهره بردن از منابع معتبر و موثق، به بررسی زن، ازدواج و خانواده در آیین بودا خواهیم پرداخت.

قبل از شروع متن، بر خود فرض میدانم از زحمات جناب آقای دکتر ابوالفضل محمودی که صبورانه، بی‌صبری‌های حقیر را در طی این تحقیق که برگ سبزی است تحفه درویش، تحمل نموده و از هرگونه راهنمایی دریغ نکردند، تشکر ویژه نمایم.

زن در دوره بودیسم کهن هندی^۳

دو حکایت مشهور در ادبیات بودایی وجود دارد که تا اندازه‌های جایگاه زن را در چند صد سال اول دوره بودیسم نمایان می‌کند.^۴

در حکایت اول می‌خوانیم که بودا چگونه تصمیم به ترک خانه و خانواده خویش می‌گیرد و در حالی که همسر و فرزند نوزادش در خواب بودند، مدتی به آنها چشم می‌دوزد و سپس بدون خداحافظی آنها را ترک کرده، همچون یک تارک دنیا در پی روشن‌شدگی و فرزانگی روان می‌شود. حکایت دوم داستان فرزانگی بودا بعد از سال‌های دوری از خانه است؛ و در همان دوره است که بودا با دیدن علاقه مفرط زنان به آیین جدید، آنها را رسماً به سبک نوین زندگی، که همان راهبه شدن و ترک دنیا است، مفتخر می‌کند. خاله بودا، که از اوایل کودکی او را بزرگ کرده بود، همراه پانصد زن دیگر نزد وی می‌آیند تا طریقه زندگی راهبانه را، که پیش از این فقط مردها در انتخابش مجاز بودند، فراگیرند. بودا ابتدا با خواسته آنها مخالفت می‌کند؛ اما آنها پس از چندی، بر درخواست خود پافشاری می‌کنند. اصرار زنها باعث می‌شود که آناندا، شاگرد محبوب و خدمتکار شخصی بودا، درخواست آنها را نزد بودا مطرح کند. آناندا از بودا سؤال می‌کند که آیا زنان نیز همسان مردان قابلیت انجام ریاضت‌های روحانی را دارند؟ بودا پاسخ می‌دهد که زنان نیز ظرفیت زندگی راهبانه را دارند. بنابراین آناندا پیشنهاد می‌دهد که اگر زنان قابلیت این را دارند که از مزایای معنوی بی‌خانمانی و زندگی

۱. مصاحب، غلامحسین، به همراه جمعی از نویسندگان و مترجمان، دایره المعارف فارسی مصاحب، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۷، ص ۴۵۸ و ۴۵۹. و ویلیام جیمز، دورانت، تاریخ تمدن، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ایران، ۱۳۹۰، جلد اول، صص ۴۹۷ تا ۵۰۲.

۲. <http://aphyref.aph.gov.au-house-committee-spla-bill-marriage-subs-sub> . ۱۰۱۷ [۱]. pdf.jun. ۲۰۱۳.

آبرام برام، رییس انجمن بوداییهای غرب استرالیا و رئیس راهبان دیر هینایانا.

۳. هولم، جین؛ و بوکر، جان، زن در ادیان بزرگ جهان، ترجمه: علی غفاری، سازمان چاپ و نشر بینالملل، تهران، ۱۳۸۷ و نشر الکترونیک: مرکز تحقیقات رایانه‌های حوزه علمیه اصفهان، صص ۱۵ تا ۲۲.

۴. این مقاله با اندکی تغییر و توضیح (در اصطلاحات تخصصی بودا)، تماماً از کتاب زن در ادیان بزرگ جهان، با مشخصات فوق (صفحات ۱۵ تا ۲۲) در این تحقیق درج شده است.

راهبانه بهره‌مند شوند، پس باید مجاز باشند که آیین مقدس را فراگرفته، به‌عنوان رهروان زن، راهبه شوند. بودا موافقت می‌کند، به این شرط که زنان رهرو هشت قانون ویژه^۱ را بپذیرند؛ بر اثر این قوانین ویژه تعلیمات و طریقه زندگی راهبه‌ها به طریقه رهروان مرد و جزء مادون آن وابسته شده است. زنان بعد از پذیرفتن قوانین هشت‌گانه، برای نخستین بار راهبه شدند.

کلمات راهب و راهبه در این بخش به معنی مردان و زنان رهروی است که تارک دنیا بوده، به‌طور رسمی به آیین بودا عمل می‌کنند. هر دوی این حکایتها بیانگر این عقیده است که ترک دنیا شرط ضروری زندگی معنوی است. به‌همین دلیل بودا احساس می‌کند چاره‌ای جز ترک همسر و فرزندش ندارد. زنها نیز مانند مردها باید تارک دنیا شوند تا طریقه زندگی آنها هم طراز طریقه زندگی رهروان مرد شود. اگر این اجازه به زنان داده نمی‌شد که زندگی زاهدانه پیش گرفته، راهبه شوند، زنان دوره آغازین آیین بودا دیگر نمی‌توانستند در شکل‌گیری این مذهب نقشی داشته باشند و در نتیجه مذهب بودیسم خود عاملی می‌شد در پایمال شدن حقوق زنان و مانعی بزرگ در دستیابی آنها به آمال و اهدافشان.

اگر چه بودیسم به‌انحای مختلف، خانه‌دارها و افراد غیر روحانی را نیز در زندگی مذهبی و انجام آیین مقدس شرکت می‌دهد؛ اما تارک دنیا شدن و زندگی راهبانه داشتن که در طول تاریخ بودیسم و به‌هنگام تبلیغ این دین در فرهنگهای مختلف باعث قوت و ضعف آن بوده، اصل و شرط اساسی مذهب بودیسم تلقی می‌شود. بنابراین، قبل از هر چیز با شناخت سبک زندگی بودایی باید پی ببریم که چرا چنین سبکی تا این حد اهمیت داشته است. بودا، آغازگر زندگی راهبانه نبود؛ او فقط مبلغ معیارهایی بود که از مدتها پیش در میان جمع کثیری از مردم هندوستان ارزش تلقی می‌شد. در زندگی راهبانه یا مرتاضانه، آسایش‌های زندگی مرسوم ترک می‌شود و شخص، خودش را از به زحمت انداختن در کسب معاش و تولید مثل فارغ می‌کند.

زندگی بدون مالکیت اموال، بدون همسر، بدون هیچ قید و بندی به والدین و فرزندان، و اغلب بدون اقامت دائمی، از مشخصه‌های زندگی راهبانه است و شخص به این طریق خودش را تمام وقت به پرورش بصیرت درونی، آرامش روحانی، آگاهی و رهایی وا می‌دارد. این سبک زندگی، فرد را از گردونه بی‌انتها و ناپاک وجود که شامل هوس‌ها و قید و بندهای دیگر است، رها می‌سازد.

در مقابل، از آن‌رو که زندگی خانوادگی توجهات و مسئولیت‌های گوناگونی از جمله دغدغه معاش و خانه‌داری را در بردارد، رسیدن به حقیقت درون، بصیرت، آرامش و رهایی از طریق زندگی عادی تقریباً ناممکن است. زندگی به سبک زاهدانه بودیسم به این معنا نیست که روح و جسم دو پاره جدا از همند یا آن‌چنان که در برخی از شیوه‌های غربی زندگی مرتاضانه معمول است، جسم و روابط جنسی ناپاک شمرده شده، به‌طور کلی

۱. = همان راهب‌های شریف هشت گانه.

طرد شود. آنچه که یک مرتاض باید بر آن غلبه کند، تعلق خاطر، وابستگی و شهوت است. انسان در زندگی معمول، برده تمایلات خویش است و در زندگی زاهدانه، آزاد از آن تمایلات. بنابراین، بودا همسرش را به دلیل طبیعت ناپاک و جنسیت مؤنثش ترک نمی‌کند، بلکه دلیلش، تعلق خاطر خود بودا به همسرش است.

مرتاضان دیگر که احوال آنها در متون کهن بودایی ذکر شده است، نمی‌توانستند چنین تعلق خاطری را نسبت به همسرشان ادعا کنند؛ بلکه در عوض، زنان را به تمایلات شهوانی‌ای که در مردان ایجاد می‌کنند، متهم می‌کردند. بعضی محققان با خواندن این شرح‌حال‌ها، معتقدند که آیین کهن بودایی نسبت به زن نگرش منفی اما (به اعتقاد من.م) در جامعه بودیسم کهن هندی چنین نگرشی وجود نداشته است. به‌طور کلی در آیین و رسومات کهن، خود وابستگی و تعلق خاطر، جدا از آنچه که ترک می‌شود، به عنوان مانع اساسی در پرورش روح و روان تلقی می‌شده است. سؤال دیگری که ممکن است به ذهن خطور کند، این است که چرا بودا نخست در مقابل درخواست زنان که همچون مردان خواستار زندگی راهبانه و ترک دنیا بودند، مقاومت کرد؟ چرا بودا خود مشوق زنان در ترک زندگی خانه‌داری نبود؟ چرا تعلیمات و روش زندگی راهبه‌ها را با قوانین هشت‌گانه ویژه مشروط کرد؟ و بالاخره اینکه چرا بودا پیش‌بینی کرد که مذهب بودیسم به دلیل پذیرش و حضور زنها به عنوان رهرو، به‌جای هزار سال، فقط پانصد سال دوام خواهد آورد؟ پاسخ دادن به این سؤال‌ها آسان نیست و از بعضی جهات نمی‌توان با قطعیت برای آنها پاسخی یافت.

آنچه که با اطمینان می‌توان گفت، این است که متون کهن بودایی نشان می‌دهند که بودیسم در آغاز، گرچه زن‌گریز یا منجر از زن نبوده، ولی گرایش مردسالاری یا پدرسالاری در آن مشهود است. درباره این نوع نگرشها، توضیحات گوناگونی مطرح شده است. (به نظر من.م)، ساده‌ترین توضیحی در این مورد، این است که بودا با وجود روشن‌شدگی و نایل شدن به حقایق معنوی درونی، هرگز از محیط اجتماعی زمان خودش به‌طور کامل کناره‌گیری نکرد. روشن‌شدگی و رسیدن به بصیرت درون، محتاج کناره‌گیری کامل از جامعه یا سیر بی‌وقفه در علوم تاریخی و دانش‌های جهانی نیست. بنابراین، بودا زن‌ها را به این تشویق نکرد که بر خلاف رسوم رایج فرهنگی و مانند مردها زندگی خود را متحول سازند. بودا همچنین، طریقه و دستورات زندگی راهبه‌ها را همسان تعلیمات مردان رهرو ندانست. می‌توان حدس زد که بودا از این واگم داشت که تأیید زندگی مرتاضانه برای زنان، به‌عکس‌العمل شوهران و پدران دخترهایی منجر شود که زندگی زاهدانه پیش‌گرفته‌اند و مسئولیت‌های خانه‌داری خویش را رها کرده‌اند؛ همچنین از شایعه‌هایی می‌ترسید که ممکن بود درباره روابط رهروان مرد و زن بر سر زبان‌ها بیفتد. از حکایت دوم برمی‌آید که بودا، حتی بعد از پذیرفتن خواسته زن‌ها به راهبه شدن، قادر نبود طریقه‌ای را به آنان پیشنهاد کند که عاری از اصول مردسالاری باشد؛ در حقیقت با شرط قرار دادن قوانین ویژه، بین اصول و طریقه زندگی رهروان مرد و زن تعادلی مردسالارانه را بنیان نهاد. قانون اول قوانین هشت‌گانه ویژه، حکم می‌دهد هر رهرو زن

هرچند که در طریقه‌ی خود پیشکسوت و صاحب مقام باشد، باید به رهروان مردی که جدیداً به این طریقه قدم گذاشته‌اند، احترام گذاشته به آنها تاسی کند.

نقل است که راهبه‌ای از بودا درخواست می‌کند تا اصل را بر این بگذارد که احترام گذاشتن رهروان به همدیگر بر مبنای سابقه باشد، نه جنسیت آنها؛ بودا در پاسخ می‌گوید که حتی در مراسم کوچک مذهبی نیز، مردها نباید از زنان تبعیت کنند و به طور کل در طریقه رهروان، تصور چنین عملکردی ناممکن است.

زنان رهرو در بودیسم کهن هندی به دلیل رعایت قوانین هشت گانه ویژه، نمی‌توانستند آن‌طور که باید (به آن نحو که اگر این قوانین وجود نداشت)، طریقه زندگی راهبگی خوش را در پیش گیرند. ممکن است که امروزه این عملکرد بودا نسبت به زن‌ها مورد انتقاد باشد؛ اما با دانستن این که در خانه‌داری و خانه‌نشینی زن‌ها چه اندیشه اصلاح طلبانه‌ای نهفته است، اعتراض ما تعدیل می‌یابد. مضاف بر اینکه، قوانین هشت گانه ویژه به هیچ وجه در پرورش روحی زنان مانعی ایجاد نمی‌کند و آنها همسان مردها می‌توانند از زندگی مذهبی بهره‌مند شوند. طبق متون بودیسم کهن هندی، زنان توانستند از فرصتی که بودا برای آنها مهیا کرده بود، به خوبی استفاده کنند. بسیاری از زنان متأهل، بیوه، مطلقه و زنانی که از مرگ فرزندشان رنجور بودند، زندگی خانوادگی خویش را ترک کرده، راهبه شدند. بسیاری برای رسیدن به‌رهایی، آرامش و آزاد شدن از گردونه وجود، خانه خویش را ترک کردند. در این میان زن‌هایی بودند که به دلیل شایستگی در انجام اعمال مذهبی، از آنان تقدیر شد. حکایات و اشعار این زنان در متون تری‌گاتا^۱ یکی از مشهورترین و شناخته‌شده‌ترین متون در ادبیات مذهبی جهان، ذکر شده است. زنان در این اشعار، آواز لذت‌رهایی از وابستگی‌ها و غم‌های پیشین را سر داده‌اند و آزادی از قیدهای همیشگی جنسیت را به نشاط نشسته‌اند. اگرچه بودا در ابتدا با راهبه شدن زن‌ها مخالفت کرد، آنچه که تاریخ دانان بودایی درباره نقش زن در بودیسم بر آن تأکید می‌ورزند، داستان‌هایی است که درباره سرگذشت زن‌های بزرگ در دوره آغازین این آیین روایت شده است. اگر محققان و طالبان دین بودیسم درباره این زن‌های نمونه تحقیق کرده، آن‌ها را به خوبی بشناسند، می‌توانند چهره کاملتر و متعادل تری از نقش زن در بودیسم کهن هندی به دست آورند. با گذشت زمان، تعلیمات و طریقه زندگی رهروان زن در هندوستان یا مناطق دیگر جهان بودیسم، هرگز همپای تعلیمات رهروان مرد پیش نرفت. سنت زندگی راهبانه برای زن‌ها در هندوستان که قریب به هزار و پانصد سال یعنی تا آخرین روزهای دوام بودیسم در هند رواج داشت، شکوه و عظمت آن نسبت به دوران قبل کم رنگ تر شده بود. در اواخر این دوران، از تعداد رهروان زن به شدت کاسته شده بود؛ آن‌ها این امکان را نداشتند که دستورات آیین بودیسم را به‌طور کامل فرا بگیرند و از طرف مردم عامی نیز حمایت نمی‌شدند. اخباری هم

در دست نیست که حاکی از آن باشد که راهبه‌ها در دانشگاه‌های بزرگ رهبانی، نظیر دانشگاه نالاندا^۱ که در دوره اخیر بودیسم هندی بسیار مشهور بود، شرکت کرده باشند. دلیل این رکود نمی‌تواند محدود به یک علت واحد باشد؛ بلکه برای بررسی علت رکود راهبگی زن‌ها در هندوستان و این که چرا این تعلیمات نتوانست مانند ابعاد دیگر بودیسم به کشورهای بودایی آسیایی گسترش پیدا کند، باید در یک سلسله عوامل مربوط به هم جست‌وجو کرد.^۲ احتمالاً بزرگ‌ترین مشکلی که رهروان زن با آن مواجه بودند، دید مردسالارانه آن جامعه و در نتیجه، تعیین جایگاه و وظیفه زن به‌عنوان خانه‌دار و عاملی برای زاد و ولد بوده است. این نوع نگرش آن‌چنان در فرهنگ اجتماعی هندوستان رسوخ داشت که حتی در تعلیمات بودا به راهبه‌ها نیز تأثیر گذاشت. مردم در فرهنگ‌های مردسالارانه به راحتی می‌پذیرفتند که مردها خانمان خود را ترک کرده رهبانیت پیشه کنند. اما چنین تصویری برای زندگی زن‌ها بسیار دشوار می‌نمود. مردم در چنین فرهنگ‌هایی از رهروان مردی که به قصد زندگی معنوی خانمان خود را ترک کرده بودند، هم حمایت مالی می‌کردند و هم برای آنها شأن و اعتبار قایل بودند. به‌نظر می‌رسد که قوانین هشت گانه ویژه عامل دیگری در رکود سنت راهبه شدن زن‌ها بوده است. طبق این قوانین، رهروان زن حتی اگر سواد و تعلیمات بالایی داشته باشند، در تعلیم و آموزش رهروان مرد مجاز نیستند، و این خود عاملی است بر کسر شأن راهبه‌ها. مردم عامی بیشتر ترجیح می‌دادند که نذورات و کمک‌های خود را به رهروان مرد مشهور اعطا کنند تا به رهروان زن گمنام؛ به این ترتیب، راهبه‌ها فقیرتر و از نظر تعلیمات مذهبی بی‌اهمیت‌تر می‌شدند. باید پذیرفت که جامعه‌ای که چنین جوی در آن حاکم است، دیگر انگیزه‌های برای تازه‌کارهای مستعد باقی نمی‌گذارد. اعتقادات اجتماعی هندوستان در آن زمان، چیزی نبود که به سادگی تغییرپذیر باشد.

ازدواج و طلاق در آیین بودا

تصور میشود که آیین بودا، زندگی درویشانه و رهبانی را سبک صحیح زندگی میداند و زندگی متأهلی و ازدواج را اشتباه، اما این تصور نادرست است. درست است که در فرهنگ بودایی به رهبانیت و تجرد بسیار توجه شده است، اما برای آنهایی که نمیتوانند خود را به این شرایط متعهد سازند، ازدواج و تشکیل خانواده، بهترین محیط و امری سودمند برای رشد و تعالی محسوب میشود.

به این ترتیب، بودا برای هر دو طبیعت و نوع انسان یعنی، مردم عادی و غیر روحانی و روحانیون، آموزشهایی ارائه داده است. بودا به دنبال فرمان‌هایی که مخاطبانش روحانیون سنگه‌ها (= سنگهه) هستند، از خطاهایی که ممکن است در زندگی خانوادگی رخ دهد، در دعای خیرش بلسینگ سوتره^۲، صحبت به میان آورده است و میگوید:

1. Nalanda.
2. Blessing Sutra.

«مراقبت از زن و فرزندان ... برترین نعمت دعای خیر است»

در جای دیگر در سیگالوودا سوتره^۱، بودا به طور خلاصه رفتار زن و شوهر را نسبت به یکدیگر، بیان میکند: «با رعایت پنج مورد، مرد باید از زن خود مراقبت کند: به زن خود احترام بگذارد؛ در برخورد با او ادب و نزاکت را رعایت کند؛ به او وفادار باشد؛ در خانه به او اختیار کامل بدهد؛ وسایل زینتی و زیورآلات برای او فراهم کند. و زن نیز با رعایت پنج مورد، از شوهر خود حمایت میکند: وظایف خود را به درستی انجام دهد؛ با خویشاوندان خود و شوهرش با نیکی رفتار کند؛ به شوهرش وفادار باشد؛ از کالاهایی که شوهرش به خانه می‌آورد، مراقبت کند؛ در تمام کارهایشان مهارت و سلیقه نشان دهد».

ازدواج باید براساس عشق و محبت یا متا^۲ صورت گیرد، آرزوی شادی و خوشبختی برای دیگران و سایر موجودات سبب میشود تا محیط اطرافمان همین انرژی را برای زن و شوهر به عنوان عکس العمل، بازتاب دهد و این امر باعث رشد و تعالی زوجین میشود. به علاوه ازدواج به زوجین کمک میکند تا کارما^۳ و کارمیک^۴ خود را اصلاح کنند، ازدواج مانند چهارچوب عمل میکند، فردی که در آن چهارچوب قرار گرفته، میتواند از روابط نامشروع بپرهیزد و این یعنی رعایت چهارمین دستور از پنج دستور مهم در آیین بودا، یعنی: اوپاسیکا^۵.

علیرغم این همه توصیه، فرض این مسأله که آیین بودا ازدواج را وظیفه مقدس میانگارد، فرض اشتباهی است. همان گونه که مثلاً در سنتهای هندیها، ازدواج مقدس است. ازدواج در آیین بودا، پیمان غیر دینی است. به همین دلیل است که راهبان بودایی اداره مراسم عروسی را به عهده نمیگیرند، بلکه فقط در طول مراسم یا بعد از آن، برای زوجین طلب خیر و برکت مینند. درواقع آنها حتی همین دعاها را در ازدواجهای قانونی که مراسم خاصی هم ندارند، میخوانند و برای آنها نوع ازدواج فرقی نمیکند.

دیدگاهی که در سنتهای متفاوت نسبت به ازدواج وجود دارد:

در کشورهایی که مذهب تراوادا (هینایانا) دارند، هرگاه مردان برای اینکه بتوانند راهب بودایی شوند، خانه را ترک کنند، زندگی خانوادگی را نیز رها میکنند. در چنین شرایطی از لحاظ معنوی، خانواده اهمیتی ندارد، و اعتقاد بر این است که فرد، تنها آن زمان به نیروانا یا آگاهی میرسد که عضو روحانیون سانگه باشد. البته این مسائل تنها هدف تمرینهای آیین بودا نیستند. اولین قدم مهم که به طور تلویحی در تمرینهای آیین بودا برداشته میشود، ایجاد انگیزه و پرورش گرایش برای رسیدن به عالم برتر جهت تولد دوباره است. برای آنهایی که آرزومند رسیدن به عالم برتر در تولد دوبارهشان هستند، ازدواج کاملاً مورد تأیید است. درواقع جامعه روحانی، ماندن در این عالم خاکی را بدون حمایت جامعه غیر روحانی بسیار سخت میداند، چراکه به حمایت جامعه غیر

1. Sigalovada Sutra.

2. Metta.

3. Karma.

4. Karmic.

5. Upasika.

روحانی تکیه میکند.

در جوامعی که مذهب تیبتن ماهایانا دارند، مفهوم خانواده شامل تمام موجودات میشود، نه فقط پدر، مادر و فرزندان. به این ترتیب یکی از متعالیترین موضوعات مهم هستی که شفقت مادرانه یا کارونا^۱ (دعا کردن برای دیگران جهت مصون ماندن از بلا و مصیبت) نسبت به فرزندان است، و برترین مثال از تعالی فکری یک انسان است میتواند نسبت به سایر موجودات، هم در افراد روحانی و هم در افراد غیر روحانی ایجاد شود. در این جوامع اگرچه انسان راهبان و راهبه‌ها مورد احترام واقع میشوند، اما این اعتقاد وجود دارد که روحانیون و مردم غیر روحانی، برای رسیدن به اهداف عالی آیین بودا، یعنی رسیدن به نیروانا و آگاهی، دارای ظرفیت برابر هستند. تفاوتی که میان روحانیون و مردم غیر روحانی وجود دارد، در کشور ژاپن که مذهب ماهایانا دارد، به تدریج کم‌رنگ شده است. به همین دلیل میتواند گفت که ازدواج ضد دنیای رهبانیت است، باور نابجایی است.

مراسم ازدواج

در آیین بودا، درباره ازدواج هیچ مراسم یا احکام خاصی سفارش نشده است. بودا به سنتها و فرهنگهای موجود بسنده کرده است. بنابراین ازواج بودایی‌ها، از کشوری به کشور دیگر فرق دارد. معمولاً در مراسم ازدواج برای زوجین خیر و برکت طلب میکنند و نصیحتهایی نیز به آنها میشود؛ در بسیاری از کشورهایی که دین بودا را دارند، ازدواج در ادارات مذهبی ثبت میشود.^۲ با این حال، آجان برام، رئیس انجمن بودایی‌های غرب استرالیا و رئیس راهبان دیر بودهینینا^۳ معتقد است: در مراسم ازدواج، زوجین، به خدا متعهد نمیشوند، بلکه به احساس، جسم و تمایلات یکدیگر پایبند میگردند. به اعتقاد وی، ازدواج یک سفر روحی است که در طی این سفر، زوجین به پیشرفتهای روحی نائل میگردند و معنای زندگی را درک میکنند؛ به همین دلیل، از آن جهت که در ازدواج پیشرفت روحی حاصل میشود، در ادیان موردتوجه قرار گرفته است. او حتی معتقد است، از آنجایی که ازدواج پیش از ظهور هر دینی وجود داشته است و یک امر دینی نیست، بنابراین نمیتواند در امور مربوط به همجنسگرایان دخالت داشته باشد و از آن ممانعت به عمل آورد؛ او معتقد است که دین نمیتواند در امور مربوط به ازدواج دخالت کند و یا برای آن تعیین تکلیف نماید.^۴

انتظاراتی که زن و شوهر میتوانند از هم داشته باشند

انتظاراتی که شوهر از زن دارد:

عشق

دلسوزی

1. Karuna.

۲. همانجا.

3. Budhinyana.

4. [http://aphyref.aph.gov.au-house-comittee-spla-bill-marriage-subs-sub-017\[1\].pdf](http://aphyref.aph.gov.au-house-comittee-spla-bill-marriage-subs-sub-017[1].pdf), jun 2013.

متعهد بودن به خانواده

وفاداری

مراقبت از فرزندان

مقتصد بودن

پخت و پز

آرامش بخشیدن به شوهر، زمانی که او غمگین و ناراحت است

مهربان و شاد بودن

انتظاراتی که زن از شوهر دارد:

محبت

نزاکت

خوش اخلاق بودن

امنیت را تأمین کردن

با انصاف بودن

وفاداری

درستکاری

دوستی و رفاقت

حمایت معنوی و قوت قلب دادن

همچنین زوجین باید به شرایط روزانه زندگی مشترک و مخارج و هزینه‌ها توجه کنند و به تعهدات اجتماعی

پایبند باشند.^۱

سفارشها

سفارشها به زن:

درمورد شوهرش افکار رذیلانه و شریر در سر نپروراند.

نسبت به شوهرش ظالم و خشن نباشد.

ولخرجی نکند و شرایط اقتصادی خانواده را رعایت کند.

دارایی شوهرش را حفظ کند.

دلسوز و مهربان باشد.

1. Lancasters, Lewis, SENRI ETHNOLOGICAL STUDIES, NO 11, 1984, PP 139-151: Buddhism and Family in East Asia.



وفادار باشد و به فکر بی عفتی نباشد.
در رفتار و گفتار، ادب و نزاکت را رعایت کند.
با عاطفه و پرتلاش و با همت باشد.
به شوهرش توجه کند، از او مراقبت کند و با او دوست باشد. رفتار زن با شوهرش باید مثل رفتار مادر با تنها فرزندش باشد.
متواضع باشد و حرمتها را حفظ کند.
آرام، متین و فهیم باشد. در مشکلات نه تنها به عنوان یک زن، بلکه همانند یک دوست و مشاور به شوهرش کمک کند.

سفارشها به شوهر:

شوهر باید به زنش وفادار باشد، در اداره خانه اختیارات کامل به او بدهد، برای او زیورآلات تهیه کند و به این ترتیب و با انجام این کارها، به زنش احترام میگذارد و نشان میدهد که زنش سبب سرافرازی و افتخار اوست. باید در نظر داشت که این سفارشها در ۲۵ قرن پیش، به مرد شده است و با این وجود، هنوز هم مفید و موثر است. بودا به مرد توصیه کرده که زن خود را تحقیر نکند و به زن خود احترام بگذارد و به او افتخار کند، به این ترتیب با توجه به طبیعت برتری طلبی مرد، این اخلاق مرد را تعدیل میکند.^۱

وظایف پدر و مادر نسبت به فرزندان

به فرزندان خود بیاموزند که از پلیدی و زشتی دوری کنند.

فرزندان خود را به نیکی تشویق کنند.

آنها را تحت تعلیم و تربیت و آموزش قرار دهند.

شرایط ازدواج با فرد مناسب را برای آنها فراهم آورند.

ارثیه آنها را در زمان مناسب به آنها بدهند.^۲

وظایف فرزند پسر نسبت به پدر و مادر

دست نوشته‌هایی که در چین یافت شده است، حاکی از آن است که آیین بودا، به پدر و مادر و بزرگ داشت

آنها، بسیار تأکید کرده است؛

در مورد رفتار پسر با پدر و مادرش، توصیه شده است:

ثروت والدین را افزایش دهد.

در کارهای پدر و مادر مراقب آنها باشد و از آنها حمایت کند.

۱. همان جا.

۲. همان جا.

نیازها و خواسته‌های آنها را فراهم کند.
 به دنبال خواسته‌ها و امیال خود نباشد.
 آنچه دارد، از آنها دریغ ننماید.
 وظایف والدین نسبت به فرزند:
 در دوران کودکی فرزندشان به او عشق بورزند.
 غذای کافی به او بدهند.
 مراقب باشند تا فرزندشان مقروض نشود.
 ازدواج با فرد شایسته ای را برای او ترتیب دهند.
 دارای خود را به او بدهند.

همچنین در این دست نوشته‌ها یادآوری شده است که فرزندى که وظایف خود را که در بالا به آنها اشاره شد، انجام دهد، باید بداند که کارمای خوبی خواهد داشت و در امور دنیوی خود پیشرفت خواهد کرد و به موفقیت بزرگی نائل خواهد شد. در دست نوشته‌های دیگری این چنین آورده شده است:

دو نفر هستند که نمیتواند دین خود را به آنها ادا کند، پدر و مادر. اگر فرزند در تمام طول زندگیش پدر را به دست راست و مادر را به دست چپ خود سوار کند، هرگز نمیتواند دین خود نسبت به آنها را ادا کند.^۲ احترام به پدر و مادر سبب پیشرفت دنیوی میشود. از آنجایی که مادر به فرزند بسیار خدمت کرده است، احترام او از احترام هر شخص دیگری حتی مقامهای بالای بودایی واجبتر است و ثواب بیشتری دارد. بدرفتاری با پدر و مادر سبب ایجاد کارمای بد میشود. اگر پسری بخواهد تارک دنیا شود، و به همین دلیل خانه را ترک کند، چنانچه پدر و مادرش اجازه ندهند، او نمیتواند و نباید خانه را ترک کند. افرادی که بدون اجازه پدر و مادرشان خانه را ترک میکنند، گناه بزرگی را مرتکب شده اند. دعوای پسر با مادر، به جنگ میان دو پادشاه و دو کشور تشبیه شده که سبب ویرانی و خرابی خانه‌های بسیار میگردد.^۳

تک همسری و چندی همسری

در آیین بودا، حکم مشخصی در مورد چند همسری یا تک همسری وجود ندارد. بودا در مورد زندگی زناشویی احکام خاصی صادر نکرده، اگرچه توصیه‌هایی ارائه داده است؛ جهت این که یک ازدواج، حرمت، قوام و ثبات داشته باشد، در آیین بودا، در مورد زناشویی، به سنتها، فرهنگها و قوانین حکومتی توجه میشود. بودا چند

1. Karma.

۲. در متنی از یک کتاب نوشته شده: پدر شانه چپ مادر است، ولی این مطلبی که در اینجا نوشته شده است، صحیح تر به نظر میرسد. (در متن اصلی انگلیسی)

3. http://www.Fpmt.org/images/stories/teacher/zopa/advice/pdf/Wedding_Ceremony_edited_km.pdf, Jun 2013.

همسری را مستقیماً محکوم نکرده است؛ اما در سخنانش گفته، مرد متأهل چنانچه به دنبال زن دیگری غیر از همسر خود باشد، دچار سقوط و تزلزل و تنزل میشود و با مشکلات و گرفتاریهای زیادی روبه رو خواهند شد. بودا در واقع فقط به شرایط و اعمال و نتیجه آن شرایط و اعمال اشاره میکند و از پیروانش میخواهد تصمیم بگیرند که کدام کارها را انجام بدهند و کدام کارها را انجام ندهند.^۱

طلاق

برای بوداییان سوگند، اعم از اینکه ضمن مراسم دینی یا مذهبی یاد شود، موضوعی جدی است. از آنجا که ازدواج متضمن پذیرش تعهداتی متقابل است، باید تا آنجا که ممکن است از انقطاع این روابط و صدمات ناشی از آن اجتناب شود. ثبات در جامعه برای تأمین سعادت همه، حائز اهمیت است و خانواده کانون این ثبات محسوب میگردد. از سوی دیگر، بوداییان، به این حقیقت که مردم، شرایط و روابط، همواره در حال تغییر و تحولات و در بعضی شرایط مردم مایلند از تعهد خود رهایی یابند، نگرشی واقع بینانه دارند. هیچ حکمی در آیین بودا وجود ندارد که طلاق را ممنوع کرده باشد. اما از طرفی این اعتقاد وجود دارد که چنانچه زن و شوهر، اصول اخلاقی را که بودا به آن سفارش کرده است، انجام دهند، هرگز از یکدیگر طلاق نخواهند گرفت.

اگرچه فشار اجتماعی شدیدی، برای طلاق نگرفتن زوجین در کشورهای که آیین بودا غالب است، وجود دارد، اما این آیین، طلاق را در موارد زیر میپذیرد:

- هنگامی که احکام اول، سوم یا چهارم نقض شوند (مثل دروغ یا رابطه جنسی نامشروع).
- چنانچه حاصل ازدواج رنج و عذاب باشد. در این صورت ازدواج نامتناسب است و ناسازگاری ایجاد میشود، در این صورت چنانچه طلاق باعث تسکین درد و رنج حاصل از ازدواج گردد، جایز است.^۲

خانواده در آیین بودا^۳

در قرن ششم پیش از میلاد، زمانی که آیین بودا در دره گانجس^۴ ظهور کرد، نظام خانواده بسیار بیشتر در آن سرزمین وجود داشت و تمام امور مربوط به خانواده بر طبق سنتهای قبیللهای اقوام آروان^۵، دراویدیان^۶، کولاریان^۷ و سایر ساکنان دره انجام میشد.

در آغاز تبلیغ آیین بودا، بر اساس مدارکی که در دست داریم و در آن احکام مربوط به بودا، آورده شده، دخالتی

1. Lancasters, Lewis, SENRI ETHNOLOGICAL STUDIES, NO 11, 1984, PP 139-151: Buddhism and Family in East Asia.

2. [http://www.walkden.vk.com/files/5013/1712/7095/Marriage & Divorse. Pdf.](http://www.walkden.vk.com/files/5013/1712/7095/Marriage%20&%20Divorse.Pdf)

3. Hasting, James, Encyclopedia of Religions and Etes, Edinburgh: t. & .Clark. 1926. Family (Budhist). PP. 726-727.

4. Gangs.

5. Arvan.

6. Dravidian.

7. kolarian.

در آن سنتهای قبیل‌های نشده است. حتی بعد از آنکه آموزه‌های این آیین جدید گسترش یافت، جامعه بوداییها در رابطه با امور خانواده، هیچ دستوری نداده و هیچکدام از پادشاهان بودایی، جهت تغییر در روابط خانواده، فرمانی صادر نکرده است.

سالیان بعد، زمانی که آیین بودا در سرزمینهای گوناگون معرفی شد و کمابیش و یا بهطور گسترده و یا کاملاً پذیرفته شد، بوداییها جهت بازسازی امور و روابط خانواده، بر طبق دیدگاه خودشان، هیچ تمایلی نشان ندادند و شاید هم هیچ قدرت و نفوذی در این زمینه نداشتند. بنابراین، احتمال دارد خانواده از نظر یک بودایی، مفهومی از قبل توصیف شده داشته باشد؛ پدیده‌های کاملاً طبیعی و عادی و دارای چهارچوبی که با همه ادیانی که قبل از آیین بودا بوده‌اند و یا بعد از آن ظهور کرده‌اند، منطبق است. آموزه‌های بودا و گزینش بعضی از آن آموزه‌ها توسط بخشی از ساکنان کشورهای دیگر و تلفیق آن با فرهنگ و قوانین خاص آن مردمان، را شکل داد که بوداییها آن را درمه^۱ نامیدند. این آموزه‌ها برای این که بتوانند با محیط جدید سازگار شوند، تاحدودی تحت تأثیر آن سنتهایی که از قبل وجود داشته، بودند. اسناد قدیمی بسیار کمی در دست داریم، که در بخشهایی از آن اسناد و مدارک، به آموزه‌های نخستین آیین بودا اشاره شده؛ این آموزه‌ها، در واقع به ایجاد قوانین جدید در جزئیات مربوط به خانواده پرداخته است، بلکه به آن اصول کلی اشاره شده که یک بودایی با ایمان، در روابط خانوادگیاش، از طریق آن اصول هدایت میشود.

در باب تهذیب و تزکیه^۲، پیامبر بودا به‌عنوان کسی که تأکید بسیاری در مورد تکریم سالخوردهگان دارد، معرفی شده است. جان کلامش در ادامه آمده است:

«از آن جایکه حتی حیوانات درحالی که به یکدیگر احترام میگذارند، به هم اعتماد دارند و نزاکت را رعایت میکنند و در کنار هم زندگی میکنند؛ شما نیز باید خیلی بیشتر از آنها پرتو افشانی کنید؛ چرا که شما جهان مادی را رها کرده‌اید و آموزه‌های عالی یک مکتب واصل را پیروی میکنید، شما به همان شکل، در نتیجه پیروی از دین بودا در کنار یکدیگر زندگی خواهید کرد».

در این جا بیکهوس^۳ مورد خطاب واقع شده است. حکم مشابهی نیز در مجموعه محبوب و پر طرفدار جاتاкас^۴ آورده شده است.^۵ این مجموعه منسوب است به زائر چینی یوان چانگ^۶، واترز^۷ و مفاهیم مشابهی نیز در مجموعه محبوب ابیات گلچین شده دمپده^۸ یافت شده است، بیت ۱۰۹؛ یک بیت مشهور دیگری نیز

1. . Dharma.

2. . Vinaya, ii. 161, tr. In Vinaya Texts, iii. 194 (SBE XX.).

3. . Bhikkhus.

4. . Jatakas.

۵. فاسبول (Fausboll)، لندن، ۱۸۷۷ - ۱۸۹۷، صص ۲۱۷ تا ۲۲۰.

6. Yuan chang.

۷. درباره سفرهای یوانگ چانگ، ۱۹۰۵، ص ۵۹. Vatters.

8. Dhammapada.

در یک مجموعه گلچین بودایی دیده شده است. این بیت تقریباً با کلمات مشابه توسط نویسندگان بعدی، به زبان سانسکریت تکرار شده است.^۱

در سیگالووادا سوتانتا^۲، بودا مرد جوانی را میبیند که شش جهت را عبادت میکند، شمال، جنوب، شرق، غرب، حوض و اوج (بالا و پایین)، بودا او را نمونه‌های از کسانی معرفی میکند که از شش جهت به بهترین وجه عبادت میکنند؛ این بهترین نوع عبادت را میتوان از طریق رفتار نیک و صحیح با پدر، مادر، همسر، فرزندان، معلمان، دوستان و اقوام و خویشان، انجام داد.

«به پنج روش، فرزند پسر باید به پدر و مادرش که جهت شرق هستند، خدمت کند. او باید بگوید: «من در کهنوت پدر و مادرم، از آنها که از من در جوانی حمایت کردند، مراقبت خواهم کرد. من آن کمکها و آنچه را که آنها برای من انجام داده‌اند، جبران خواهم کرد (در رابطه با کشور و خانواده)، من شجره خانوادگی آنها را حفظ خواهم کرد، من از اموال آنها محافظت خواهم کرد؛ پس از آنکه آنها از این دنیا رخت بر بستند، به طور شایسته مراسم و خیرات رایج و مرسوم را انجام خواهم داد».

«خدمت کردن پدر و مادر به پنج روش به پسر، میزان مهر و محبت پدر و مادر را به پسرشان نشان میدهد. پدر و مادر پسرشان را از آلوده شدن به گناه و بدی منع میکنند. پدر و مادر به پسر یاد میدهند که از نیکیها پیروی کند، او را فردی شایسته تصور میکنند، برای او همسر مناسبی برمیگزینند و در وقت مناسب سهم ارث او را میدهند...»

«به پنج روش، شوهر باید به همسرش که جهت غرب است، خدمت کند. او باید با زن خود با احترام رفتار کند و او را تحقیر نکند؛ هرگز به او دروغ نگوید؛ توانایی و اختیاراتش را قبول داشته باشد و از او قدردانی کند؛ برای او زیورآلات فراهم کند. همچنین زن با خدمت کردن به پنج روش به شوهرش، محبت خود به او را نشان میدهد. زن باید کارهای خانه را به خوبی و به درستی انجام دهد؛ باید با خویشاوندان خود و شوهرش به خوبی رفتار کند؛ هرگز به شوهرش دروغ نگوید؛ مراقب اموال شوهرش باشد؛ در تمام کارهایی که انجام میدهد، توانا و فعال باشد.»^۳

در بخشهایی از نیکایاس^۴ که مخاطب آن صاحبخانه‌ها و افرادی هستند که به تازگی آیین بودا را برگزیده اند، و نیز صفحاتی با محتوای مشابه متن فوق، یافت شده است، آن اصولی را که در این صفحات به آن پرداخته شده است، میتوان اصول آیین بودا نامید؛ زیرا آن اصول در دمه نیز آورده شده اند. احتمال دارد که این اصول گزیده‌هایی باشد از دیدگاههایی که از قبل نسبت به خانواده و روابط جنسی وجود داشته است. این دیدگاهها را

1. Manu, ii. 121 ; Mahabharata, v. 1521.

2. Sigalovana Suttanta.

3. Tr. Fion Digha, iii. 189 ff. , also Tr. By s. Gogerly, Ceulon Buddhism led. Bishop, Colombo, 1908, p. 524 ff. , and by R.C.Children, CR, 1876.

4. Nikayas.

میتوان در میان اقوال آریایی که خود بودا و بسیاری از اصول اولیه‌اش به آن تعلق دارد - تا آنجا که ما اطلاع داریم - وجود داشته است. آنچه که آیین بودا به آن می‌پردازد، تنها گزیده‌های از آن اصول رایج در آن دوران و یا قبل از آن، است. به عنوان مثال از کتابهای حقوقی که بعدها در دسترس ما قرار گرفت، دریافتیم که بوداییهای نخستین اقوام آریایی، در مراسم ازدواج، مراسم جادو یا مراسم مذهبی، اعمالی را به جای می‌آوردند که به مراسمی که در همان تاریخ مشابه، توسط سایر نژادهای آریایی در اروپا برگزار میشد، در جزئیات مهم، شباهتهای زیادی را به ذهن متبادر میکرد. در مراسم نام گذاری، مراسم تشریف و سایر امور مهم دیگر خانواده، مراسمهای مذهبی نیز اجرا میشد. البته در سفارش های آیین بودا، از همه این مراسمها غفلت شده است. چرا که آیین بودا آن آدابی را که احتمال داشت با خرافات پیوند خورده باشند، تأیید نمیکرد. گاهی، این آداب هیچ پیام خاصی نداشتند.

درباره ازدواج، تشریف، غسل تعمید یا مراسمهای دیگر مشابه، هیچ مراسم بودایی خاصی وجود ندارد. ازدواج به عنوان نوعی تشریفات کاملاً اجتماعی در نظر گرفته میشد و به این ترتیب روحانیون بودایی، هیچ دخالتی در آن نداشتند. شاید به همین دلیل است که آشوکا^۱ در احکام خودش درباره مذهب، به آن اشاره ای نکرده است. از نظر او ازدواج و آداب و رسوم خانوادگی اموری اجتماعیانند.^۲

در زمان بوداییهای نخستین، طلاق بدون نیاز به هیچ حکم رسمی، جایز بود. به عنوان مثال ایسی داسی^۳ شرح میدهد که چگونه مجبور شد تا دوباره به خانه پدرش بازگردد و چگونه شوهر دوستش او را به خانه پدرش بازپس فرستاد؛ زیرا وی، ناسازگار و بدخلقی بود که البته این بدخلقی ماحصل رفتار بد و شرارت او در تولد قبلیاش بوده است.^۴ از چنان رفتار مشابهی توسط زن نسبت به شوهر، نمونه دیگری در منابع یافت نشده است. در کشورهایی که از تره ودا^۵ (هینه یانه یا زنجیره کوچک) تأثیر گرفته اند، حق طلاق به طور برابر، در صورت انجام زنا، ترک خانه یا بدخلقی و ناسازگاری، هم برای زن و هم برای شوهر وجود دارد؛ اگرچه طلاق چندان اتفاق نمیافتد. اگر بخواهیم میزان طلاق را در اجتماعات روستایی در بورما^۶ تخمین بزنیم، میتوان گفت: دو تا پنج درصد از ازدواجها به طلاق منتهی میگردد. اگرچه نویسنده نمیتواند درصد طلاق را به صورت تقریباً قطعی تخمین بزند، زیرا هیچ آماری در دسترس ندارد. اما تأیید میکند که در شهر سیلان^۷ طلاق به ندرت اتفاق میافتد. بعد از ازدواج، زن، نام خانوادگی خود را حفظ میکند و کنترل تمام داراییاش، چه جهیزیه اش و چه آنچه را

1. Asoka.

2. See T.w. Rhys Davids , Buddhist India, London, 1903, P. 245.

همچنین در ۳rd Rock Edit منابعی در توصیه به حرف شنوی داشتن از پدر و مادر وجود دارد.

3. Isidasi.

4. Theri-qatha, 416, 426, tr. By C.A.F Rhys Davids, in p?alms of the sisters, PTS, 1900 , P. 160.

5. Thera-vada.

6. Burma.

7. Cylon.

که از طریق ارث به او رسیده است، دارد. آن اموالی را که در طی زندگی مشترک (اموال زن و شوهر) به دست می‌آید، جزء اموال مشترک به حساب می‌آیند. چون آیین بودا، آیینی نیست که به کسی آسیب برساند یا به کسی ضرر برساند. ازدواج تک همسری است؛ البته در میان مردم عادی، زیرا پادشاهان معمولاً از آداب و رسوم هندوها پیروی میکنند. زنان میتوانند بدون روبند از خانه خارج شوند، شغل داشته باشند، سندها را امضاء کنند، شهادت بدهند، در معاملات و داد و ستدهای اجتماعی شرکت کنند و تا آن اندازه که خودشان و مردان قومشان فکر میکنند که آن اندازه مصلحت است، آزادی داشته باشند. آن کسی که این احکام را با چنین جزئیات کاملی به بورما آورده^۱ توضیح نداده که این احکام و مواضع تا چه حد از آیین بودا تأثیر گرفته است و تا چه اندازه از آداب و رسوم درک و فهم مردم. اما زمانی که پس از بررسیها، متوجه میشویم، نژادهای مشابه و یا نژادهایی که این اقوام با آنها در ارتباط بوده‌اند، در بسیاری از آداب و رسوم، به دلیل تأثیر پذیری از تفکرات دیگری، بسیار کمتر پیشرفت کرده بودند، و زمانی که متوجه میشویم در همان آغاز شکلگیری آیین بودا، جایگاه نسبتاً بالایی به زنان داده شده است، ممکن است چنین نتیجه‌گیری کنیم که تأثیر آموزه‌های اولیه آیین بودا، چندان هم کم نبوده است.^۲

1. Chs. 13-17.

2. Soul of a people , London, 1898, p. 246.

فهرست منابع فارسی و انگلیسی

۱. ویلیام جیمز، دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه: جمع از مترجمان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۹۰.
۲. بایر ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه: علی اصغر حکمت، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۸.
۳. هینلز، جان، ادیان زنده شرق، ترجمه: جمعی از مترجمان، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۹.
۴. گروهی از نویسندگان، زیر نظر رابرت چارلز زینر، دانش نامه فشرده ادیان زنده، ترجمه: نزهت صفایی اصفهانی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۹.
۵. هلم، هاردی، ادیان آسیا، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۵.
۶. اسمارت، نینیان، تجربه دینی بشر (جلد اول)، ترجمه: مرتضی گودرزی، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران، ۱۳۸۹.
۷. هوکینز، بردلی، آیین بودا، ترجمه: محمدرضا بدیعی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۸.
۸. مصاحب، غلامحسین، به همراه جمعی از نویسندگان و مترجمان، دایره المعارف فارسی مصاحب، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۷.
۹. هولم، جین؛ و بوکر، جان، زن در ادیان بزرگ جهان، ترجمه: علی غفاری، سازمان چاپ و نشر بینالملل، تهران، ۱۳۸۷. و نشر الکترونیک: مرکز تحقیقات رایانه‌های حوزه علمیه اصفهان.
۱۰. رجبزاده، هاشم، چنین گفت بودا: براساس متون بودایی، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۸.
۱۱. الدنبروک، هومان، ۱۳۴۰، فروغ خاور: شرح زندگانی و آیین رهبانیت (بودا)، ترجمه: بدرالدین کتابی، انتشارات کتاب فروشی تأییدی اصفهان، اصفهان ۱۳۴۰.
12. Hasting, James, Encyclopedia of Religions and Ethics, Edinburgh: t . & .Clark. 1926.
۱۳. پایگاه‌های اینترنتی خارجی و ایرانی که آدرس دقیق آنها در پاورقیهای ذیل متن آمده است.